



(شهید والا مقام قربانعلی میرزا کلهر)

نام پدر: شعبانعلی

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۶/۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۱۱/۱۹

محل شهادت: فگه

نام عملیات: والفجر مقدماتی

مسئولیت: فرمانده دسته

محل خاکسپاری: تهران، بهشت زهرا، قطعه‌ی ۲۹، ردیف ۶، شماره‌ی ۵

فرازی از وصیتنامه

شهادت می‌دهم که قیام و حرکت انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) جز برای اعتلای کلمه‌ی الله و اعاده‌ی حیثیت و عزت اسلام و مسلمین نبوده و اعمال و رفتارش جز برای رضای خداوند متعال نبوده است. جنگ بین ایران و عراق، جنگ حق و باطل، جنگ بین کفر و اسلام است. سفارش می‌کنم جز در راه خداوند و رسولش و راه حق قدم برندارید و برای الگو قرار دادن کسی که ما به او دسترسی داریم هیچ کس بهتر از امام امت نیست.

(خلاصه‌ی زندگینامه)

شهید قربانعلی میرزا کله‌هر در سال ۱۳۳۵ در خانواده‌ای مذهبی، در روستای اشرف‌آباد شهری، دیده به جهان گشود. دوران کودکی را تحت تعلیم و تربیت پدر و مادر مؤمن خود سپری کرد. به‌علت کهولت سن پدر، تحصیلات را تا پایان مقطع ابتدایی ادامه داد و برای کمک به معاش خانواده به دامداری و کشاورزی مشغول شد. قبل از انقلاب، در تظاهرات و راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد و اعلامیه‌های امام رضوان‌الله‌تعالی‌علیه را پخش می‌کرد.

در مجامع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر ضد رژیم پهلوی حضور داشت و اطرافیان را با دلایل منطقی به حمایت از اهداف امام(ره) ترغیب می‌کرد. بعد از انقلاب نیز در سازندگی و بازسازی کشور فعالانه شرکت می‌کرد. در اولین روزهای جنگ تحمیلی، به فرمان حضرت امام خمینی(ره)، با اشتیاق فراوان برای جهاد فی‌سبیل‌الله، از طریق سپاه شهری رهسپار جبهه‌ها شد. صفای باطن و اخلاق حسنه‌ی قربانعلی در گردان عمّار لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) سبب شده بود که رزمندگان سخنان و دستوراتش را به عنوان فرمانده از دل و جان پذیرند. روحیه‌ی شهادت‌طلبی و شجاعت فراوان در نبرد با دشمن بعثی و همچنین، لحظه‌شماری برای شهادت در راه خدا موجب شد تا در عملیات والفجرمقدماتی، بر اثر اصابت ترکش خمپاره به ناحیه‌ی شکم، به درجه‌ی رفیع شهادت نایل شود. یکی از هم‌زمانش نقل می‌کند: لحظاتی قبل از شهادت قربانعلی، برای کمک به سویش شتافتیم. درحالی که ترکش تمام بدنش را مجروح و خون‌آلود کرده بود، بسختی اشاره کرد که شما جلو بروید، من به آرزویم رسیده‌ام. پیکر این شهید همچون پیکر مقدس سرور و سالار شهیدان (بیش از ۱۳ سال) روی خاک‌های گرم جنوب فگه باقی ماند تا

سندی برای مظلومیت اسلام در تمام قرون و اعصار باشد. والحق که او مصداق آیهی شریفه‌ی «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» (احزاب ۲۳) بود.

شایان ذکر است که برادر بزرگ شهید به نام محمد در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۲۰ در عملیات کربلای ۵ در منطقه‌ی شلمچه به شهادت رسید و پدر و مادرش نیز به رحمت ایزدی پیوسته‌اند.

ویژگی‌های اخلاقی؛ کمک به مستمندان، گذشت و فداکاری، عشق به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و احترام به بزرگ‌ترها بخصوص پدر و مادر از صفات بارز ایشان بود.

خاطره‌ای به نقل از مادر شهید؛ قربانعلی پس از مدت‌ها به مرخصی آمده بود. هنگامی که پیام آزادی خرمشهر را از رادیو پخش کردند، با نهایت تأسف گفت: «مادر، وای بر من که اینجا هستم و بچه‌ها با رشادت فراوان خرمشهر را آزاد کردند».

روز وصل دوستداران یاد باد

یاد باد آن روزگاران یاد باد

کامم از تلخی غم چون زهر گشت

بانگ نوش شادخواران یاد باد

گرچه یاران غافلند از درد ما

آن شهیدان را هزاران یاد باد

یاد باد آن روزگاران یاد باد

سال ۱۳۷۴ بود که همراه بچه‌ها در منطقه‌ی عملیاتی والفجر مقدماتی «فکه» جهت تفحص شهدا کار می‌کردیم. ده‌روزی بود که برای کار از وسط یک میدان مین وسیع رد می‌شدیم. میان آن میدان، یک درخت بود که اطراف آن را مین‌های زیادی گرفته بودند. روز یازدهم بود که هنگام گذشتن از آنجا، متوجه شدیم یک چیزی مثل توپ از کنار درخت غلت خورد و در سراسیمی افتاد پایین، تعجب کردیم! مین‌های جلوی پا را خنثی کردیم و رفتیم جلو. نزدیک که رفتیم متوجه شدیم جمجمه‌ی یک شهید است. آن را که برداشتیم، در کمال حیرت دیدیم پیکر اسکلت شده دو شهید پشت درخت افتاده و این جمجمه متعلق به یکی از آنهاست. سیزده سال از شهادت آنان می‌گذشت و این جمجمه‌ها در کنارشان بود ولی آن روز که ما آمدیم از کنارشان رد شویم و نگاهمان به آنجا بود، غلت خورد و آمد پایین که به ما نشان دهد آنجا، وسط میدان مین دو شهید کنار هم افتاده‌اند.

شیعه یعنی امتزاج نار و نور

شیعه یعنی رأس خونین در تنور

شیعه یعنی بازتاب آسمان

بر سرِ نی، جلوه‌ی رنگین کمان

شیعه باید آب‌ها را گل کند

راه و رسم عاشقی کامل کند

خط شیعه، خط سرخ اولیاست

کربلا بارزترین منظور ماست